

دکتر عباس زراعت  
وکیل پایه یک دادگستری

## مصونیت شغلی وکلای دادگستری

### • مقدمه

وکالت در دعاوی شغل پرمخاطره‌ای است. وکیل دادگستری در مقام ایفای وظیفه خود صرف‌نظر از اینکه گاهی مورد اهانت طرف دعوا و بی‌مهری دادگاه قرار می‌گیرد نگرانی‌های زیادی دارد، از جمله اینکه مبادا نتواند به صورت کامل از حقوق موکل خود دفاع و مطلب را به صورت واضح و روشن به دادگاه تفهیم کند، و در نتیجه حق موکل وی به خاطر اهمال او تضییع شود، یا مبادا قاضی گمان کند او در دفاع خود قصد فریب دادگاه را دارد، یا مبادا دادگاه اعطای وکالت در پرونده را قرینه‌ای بر بی‌حقی موکل وی قرار دهد یا... یکی دیگر از نگرانی‌های وکیل حفظ شئونات شغلی و جایگاه او و رعایت آن از سوی طرف مقابل و قاضی دادگاه می‌باشد که نتیجه آن دفاع آزادانه از حقوق موکل است. به بیان دیگر اگر وکیل سخنانی را برای دفاع از موکل و روشن شدن واقعیت لازم بدانند اما نگران این باشد که ممکن است سخنان او حمل بر اهانت به دادگاه یا طرف مقابل شده و او را تحت تعقیب قرار دهند و نهایتاً از بیان آن خودداری کند طبیعی است که امکان تضییع حقوق موکل او وجود خواهد داشت. ممکن است مجموعه این نگرانی‌ها وکیل را در موضع انفعالی قرار داده به گونه‌ای که نتواند دفاع شایسته‌ای از موکل خود بعمل آورد. بنابراین باید تا آنجا که ممکن است از این نگرانی‌ها کاست که البته بخشی از آن در گرو عملکرد دادگاه و وکیل و برپایی حس اعتماد میان آنان می‌باشد. وکیل باید در رفتار و گفتار خود به قدری صداقت داشته باشد که اعتماد دادگاه را به خود جلب کند و دادگاه احساس کند که تمام هم و غم وکیل کمک به اجرای عدالت و روشن

شدن واقعیت است. دادگاه نیز وکیل را به عنوان شخصی که برای دفاع از حقیقت سوگند یاد کرده است بشناسد و اصل را بر صداقت وی قرار دهد. برطرف کردن برخی از این نگرانی‌ها به دست قانونگذار است و قانونگذار باید مصونیتی را از نظر شغلی برای وکیل برقرار کند تا وکیل در مقام دفاع از موکل خود آزادی داشته و نگران امنیت جان و حیثیت خود نباشد. نقص عمده‌ای که اینک در قوانین موضوعه ایران در این زمینه وجود دارد ابهام در آنها است به گونه‌ای که نمی‌توان پی به هدف قانونگذار برد که آیا واقعاً قصد برقراری مصونیت شغلی برای وکلای دادگستری را داشته است یا از باب رفع تکلیف مقررات غیرقابل اجرا و مبهمی را وضع کرده است. در این گفتار سعی بر آن داریم تا وضعیت مصونیت شغلی کافی وکیل دادگستری را در حقوق ایران بررسی کرده و به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در مقررات موضوعه ایران مصونیت شغلی برای وکلای دادگستری پیش‌بینی شده است یا خیر؟

### ● معنای مصونیت شغلی

مصونیت را در یک تقسیم‌بندی به مصونیت مطلق و مصونیت تشریفاتی تقسیم می‌کنند. فلسفه برقراری مصونیت برای وکیل دادگستری اقتضا می‌کند که مصونیت وی از نوع اول باشد، همان گونه که نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظیفه نمایندگی مصونیت مطلق دارند (اصل ۸۶ قانون اساسی). وکیل دادگستری نیز در مقام ایفای وظیفه وکالت و دفاع است که قانونگذار بر عهده وی قرار داده است پس اعطای حق دفاع مستلزم برقراری مصونیت است (اذن در شیئی اذن در لوازم آن است). اما در نوشته‌های حقوقی ما معمولاً منظور از مصونیت شغلی وکیل دادگستری مصونیت تشریفاتی است. یعنی تعقیب وکیل دادگستری باید تشریفات خاصی داشته و اذن کانون وکلای دادگستری لازمه تعقیب وی باشد. در برخی قوانین کشورهای دیگر این مصونیت به جرم ندانستن عمل نیز تسری پیدا کرده است: در حقوق فرانسه به استناد ماده ۳۱ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ اصحاب دعوا و وکلای آنان نسبت به هر گونه مداخله یا سخنرانی و نیز تقدیم لوائح در طول رسیدگی از مصونیت برخوردارند. با این همه این مصونیت تحریک و تشویق به ارتکاب جرم را دربر نمی‌گیرد. همچنین اصحاب دعوا یا وکلای آنان نباید از

موضوع خارج شده رسیدگی را وسیله‌ای برای ایراد توهین به طرف مقابل قرار دهند. در صورت عدم رعایت این مقررات دادگاهی که به اصل دعوا رسیدگی می‌کند نسبت به خسارت مورد مطالبه طرف رسیدگی خواهد کرد. وکیل مدافع نیز ممکن است برای بار اول تا دو ماه و در صورت تکرار تا ۶ ماه از شغل وکالت معلق شود.<sup>۱</sup> قوانینی هم که برای وکلا مصونیت برقرار کرده‌اند معمولاً همان معنای اول را مورد نظر قرار داده‌اند مثلاً ماده ۷۹ قانون وکالت لبنان مقرر داشته است تعقیب وکیل در مورد جرائم غیرمشهود که به سبب انجام وظیفه وکالت صورت می‌گیرد منوط به صدور قرار از کانون وکلا است و کانون باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ درخواست قرار اقدام کند وگرنه تعقیب صورت خواهد گرفت.<sup>۲</sup> در ایران مصونیت نوع دوم وجود ندارد و در مورد مصونیت نوع اول اختلاف نظر وجود دارد که برای انتخاب دیدگاه صحیح لازم است مروری بر مقررات موضوعه داشته باشیم.

### ● مستندات قانونی

مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ قانون استقلال کانون وکلا و ماده ۸۷ آیین‌نامه قانون مزبور و تبصره ۳ ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مهمترین مقرراتی است که در حقوق ایران می‌توان در مورد مصونیت شغلی وکلا به آن استناد کرد. مفاد این مصوبات به شرح زیر است:

**ماده ۱۶ قانون:** هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد می‌تواند تقاضای تجدیدنظر کند.

**ماده ۱۷ قانون:** از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.

**ماده ۱۸ قانون:** در صورتی که وزیر دادگستری یا رییس هیأت مدیره کانون وکلا به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی کرده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی

قابل اجرا خواهد بود. همچنین در صورت درخواست شش نفر از اعضای هیأت مدیره کانون رییس مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدیدنظر کند و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رییس کانون وکلا حق تقاضای تجدیدنظر دارند. دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی کرده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

**ماده ۸۷ آیین‌نامه:** در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفرخواست صادر شود باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلا رجوع می‌شود و در صورتی که دادگاه دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر می‌نماید و حکم مزبور موقتاً قابل اجرا است و مفاد آن به دادگاه‌ها ابلاغ می‌شود و در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقاً و در مورد جنحه‌هایی که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلا ادامه وکالت منافی شئون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله کانون آگهی و به دادگاه‌ها ابلاغ می‌شود.\*

**تبصره ۳ ماده واحده:** وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی

### • دلایل وجود مصونیت

ممکن است از مجموعه مقرراتی که در بالا گفته شد چنین به دست آید که در حقوق ایران نیز مصونیت شغلی برای وکلای دادگستری برقرار است و دلایل زیر را می‌توان برای این ادعا برشمرد:

۱- واژه «احترام» که در تبصره ۳ ماده واحده آمده است به معنای خاص آن که همان رعایت ادب نسبت به طرف مقابل می‌باشد نیست زیرا این یک امر اخلاقی است که هر کسی باید احترام طرف مقابل را رعایت کند و این موضوعی نبوده که قانونگذار را وادار

\* - این ماده آیین‌نامه به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری لغو شده است که با توجه به ماده ۱۷ قانون استقلال قابل بحث می‌باشد. س. د.

به وضع قانون کند بدون اینکه ضمانت اجرایی برای آن وجود داشته باشد. پس منظور قانونگذار آن است که وکیل دادگستری در مقام دفاع از نوعی تأمین و مصونیت برخوردار است بدین صورت که دادگاه باید برای او آزادی کامل ایجاد کند تا او بتواند آزادانه و بدون دغدغه دفاعیات خود را ارایه دهد. اگر وکیلی متهم به ارتکاب جرم در مقام دفاع شود باید ابتدا به اتهام او در دادگاه انتظامی رسیدگی شود و اگر از وکالت معلق شد مورد تعقیب قرار گیرد.

۲- عبارت «تأمینات شاغلین شغل قضا» عبارت عامی است و شامل کلیه تأمیناتی می شود که برای دارندگان پایه های قضائی وجود دارد. یکی از این تأمینات مصونیت شغلی است یعنی همانگونه که قاضی دادگستری را نمی توان بدون سلب مصونیت قضائی از سوی دادگاه انتظامی قضات مورد تعقیب قرار داد وکلای دادگستری را نیز نمی توان قبل از تعلیق از وکالت از سوی دادگاه انتظامی وکلا مورد تعقیب قرار داد. تفاوتی که در اینجا وجود دارد آن است که مصونیت قاضی نسبت به تمامی جرائم ارتكابی از سوی اوست اما مصونیت وکیل فقط نسبت به جرائمی است که در موضع دفاع انجام می دهد. عبارت «در موضع دفاع» که در تبصره آمده است اقتضا می کند این تأمینات فقط در موضع منصوص برقرار شود. سلب مصونیت از سوی دادگاه انتظامی وکلا مستلزم آن است که به جرم و تخلف وکیل در دادگاه انتظامی نیز رسیدگی شود و اگر این دادگاه تخلف را محرز دید سلب مصونیت می کند. بنابراین صرف تقاضای سلب مصونیت موجب سلب مصونیت نخواهد بود.

۳- عبارت «به جهتی از جهات» که در ماده ۱۶ و ۱۸ قانون استقلال کانون وکلا آمده است عبارت مطلق است و با ذکر «قابل تعقیب» شامل موردی هم می شود که وکیل دادگستری مرتکب جرم شده باشد که در این صورت فقط درخواست تعلیق وکیل از دادگاه انتظامی کانون وکلا تجویز گردیده است.

۴- ماده ۱۷ قانون استقلال کانون وکلا تصریح دارد که مرجع انحصاری تعلیق وکالت دادگاه انتظامی کانون وکلاست. بنابراین دادگاه های عمومی حق ندارند وکیلی را از وکالت معلق یا ممنوع کنند. اطلاق این ماده شامل صورتی هم می شود که وکیل دادگستری در مقام دفاع از موکل خود مرتکب جرم شده باشد. بنابراین لغو پروانه وکیل

دادگستری توسط مرجعی غیر از کانون وکلا به هیچ وجه جایز نیست. دادگاه‌های عمومی نیز که حکم به محکومیت وکیل در غیرموضع دفاع می‌دهند باید نسخه‌ای از رأی خود را برای کانون وکلا ارسال دارند تا دادگاه انتظامی کانون وکلا چنانچه جرم ارتكابی را منافی شغل وکالت دانست حکم به لغو پروانه وکالت یا تعلیق وکیل بدهد.

۵- به موجب اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دادخواهی و استفاده از دادرسی عادلانه به عنوان یکی از حقوق اساسی افراد بیان شده است و اصل ۳۵ نیز حق انتخاب وکیل را پیش‌بینی کرده است و لازمه استفاده از چنین حقی برقراری مصونیت شغلی برای وکلاست وگرنه این حق اساسی مورد تعرض قرار خواهد گرفت.

### • دلایل عدم مصونیت وکلا

در مقابل دلایل فوق ممکن است دلایل دیگری مبنی بر عدم مصونیت شغلی برای وکلای دادگستری اقامه شود که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- عبارت «تأمینات شاغلین شغل قضا» در تبصره ۳ ماده واحده فوق‌الذکر شامل مصونیت شغلی نمی‌شود، زیرا مصونیتی که برای قضات برقرار شده است به خاطر اهمیت شغل و استقلال ایشان در مقابل قوای دیگر می‌باشد حال آنکه چنین اهمیتی برای شغل وکالت وجود ندارد. منظور از تأمینات شاغلین شغل قضا آن دسته از تأمینات است که امکان اجرای آنها نسبت به وکیل نیز وجود داشته باشد مانند استقلال قاضی که عیناً در مورد وکیل نیز وجود دارد. وکیل دادگستری کاملاً مستقل عمل می‌کند و هیچ کس حق ندارد که او را تهدید نموده یا مسیر دفاعش را منحرف سازد. همان‌گونه که قوه قضائیه قوه مستقلی در مقابل قوای دیگر است، کانون وکلا نیز نهادی مستقل از حاکمیت است، تا بتواند به وظایف قانونی خود عمل کند، بنابراین نباید این ایراد مطرح شود که وضع تبصره ۳ ماده واحده فوق‌الذکر عمل لغو و بیهوده‌ای بوده است.

۲- آنچه که به عنوان مصونیت شغلی وکلای دادگستری به آن استناد می‌شود همین عبارت مبهم و مختصر تبصره ۳ ماده واحده می‌باشد در حالی که اجرای این مصونیت نیازمند مقررات خاصی است که در هیچ یک از قوانین موضوعه به آن پرداخته نشده است، در حالی که نسبت به قضات مقررات فراوانی وجود دارد. اگر قانونگذار نظر به

مصونیت شغلی وکلا می‌داشت باید مقررات آن را نیز بیان می‌کرد و به این عبارت کوتاه بسنده نمی‌کرد. نحوه سلب مصونیت از قضات به تفصیل در قوانین مربوطه بیان شده است، اما معلوم نیست برای سلب مصونیت از وکیل چه اقداماتی باید صورت گیرد؟ پس عملاً به علت فقدان مقررات خاص مصونیتی برای وکلای دادگستری وجود ندارد و قانونگذار نیز به برقراری مصونیت شغلی نظر نداشته است.

۳- قانونگذار در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به دادگاه‌ها اجازه داده است. در مقام تکمیل و متمیم مجازات، مجرم را برای مدتی از حقوق اجتماعی محروم کند و ممنوعیت از وکالت نیز یکی از همین محرومیت‌هاست. همچنین در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی محرومیت از وکالت به عنوان یکی از مجازات‌های تبعی برای محکومیت‌های خاصی پیش‌بینی شده است. ابطال پروانه وکالت با محرومیت از وکالت دو مقوله جدا هستند. بنابراین منافاتی ندارد که دادگاه عمومی حکم به محرومیت وکیل از شغل وکالت بدهد و دادگاه انتظامی وکلا هم پروانه وکالت را ابطال نماید. البته وقتی دادگاه عمومی حکم به محرومیت از وکالت داد وکیل نمی‌تواند به استناد پروانه‌ای که بی‌اعتباری آن از سوی قانون وکلا اعلام نشده است وکالت کند و این مانند موردی است که محرومیت از وکالت جزء مجازات‌های تبعی می‌باشد (ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی) بنابراین دادگاه انتظامی وکلا مکلف است پروانه وکالت را ابطال کند.

۴- قانونگذار در مواردی بازداشت و حبس وکیل بدون نیاز به تعلیق وی را پیش‌بینی کرده است مانند ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی که حبس وکیل هرگاه در نظم دادگاه اختلال وارد کند از یک تا پنج روز را تجویز کرده است و هیچ دلیلی برای نسخ این مقررات به وسیله مصوبه مجمع تشخیص مصلحت وجود ندارد و دادگاه‌ها نیز به آن عمل می‌کنند.

۵- برقراری مصونیت برای وکلای دادگستری زمانی فایده دارد که به کلی از تعقیب معاف باشند یعنی آنان را نتوان به خاطر جرمی که در مقام دفاع مرتکب شده‌اند تعقیب و مجازات کرد همان‌گونه که نماینده مجلس در مقام ایفای وظیفه نمایندگی آزاد است و اگر مرتکب جرمی شود قابل تعقیب نیست. حال آنکه طرفداران مصونیت شغلی وکلا اعتقاد به چنین مصونیتی ندارند بلکه مصونیت را بدین شکل می‌دانند که مقام تعقیب از

کانون وکلا درخواست تعلیق وکیل را بنماید و دادگاه انتظامی نیز به شکل صوری چنین اجازه‌ای بدهد. پس این مصونیت یک امر صوری بوده که جز تأخیر در رسیدگی و تعقیب هیچ اثری ندارد. این مورد را نمی‌توان با مصونیت قضائی مقایسه کرد زیرا در آنجا مصونیت فقط در مورد جرائم مرتبط با ایفای وظیفه قضاوت نیست بلکه قاضی هر جرمی انجام دهد قابل تعقیب نیست مگر اینکه از وی سلب مصونیت شود.

۶- حتی یک مورد هم دیده نشده است که دادگاه‌ها برای تعقیب وکلای دادگستری از دادگاه انتظامی کانون وکلا اجازه بگیرند. بنابراین عدم مصونیت وکلای دادگستری مسأله‌ای است که نسبت به آن اتفاق نظر وجود دارد و اختلافی دیده نمی‌شود تا نسبت به آن بحث شود.

#### ● نتیجه

گرچه عده‌ای گفته‌اند: به نظر می‌سد که منظور قانونگذار از تصویب تبصره ۳ ماده واحده تأکید بر ضرورت مصونیت تشریفاتی برای وکلا بوده است و بنابراین در صورتی که وکیل مدافع در دادگاه در مظان اتهام قرار گیرد برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی کسب مجوز از کانون وکلا ضروری است.<sup>۳</sup> و نیز گفته شده است: اولاً تبصره ۲ ماده ۱۸۸ و ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی که به دادگاه اجازه بازداشت وکیل را داده مطابق تبصره ۳ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظر شورای نگهبان فاقد اعتبار و غیرقابل اجراست. ثانیاً مقررات کیفری مصوب مجلس شورای اسلامی در مقام جمع با تبصره ماده واحده مذکور باید به نحوی جمع و تفسیر گردد که تأمینات وکیل در موضع دفاع را مخدوش نکند. به عبارتی دادگاه‌ها فی‌البدایه نمی‌توانند به جرایم وکلا در موضع دفاع رسیدگی و آنها را تحت تعقیب و بازداشت و مجازات قرار دهند بلکه همانند روند تعقیب شاغلین شغل قضا ابتدا باید موضوع را به دادسرا و دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری ارجاع نموده و پس از تعلیق تأمین مذکور حسب مورد نسبت به تعقیب و مجازات وکیل متهم اقدام گردد. قدر متیقن برداشت و حداقل ظهور منطقی و عرفی در تسری و همسانی شاغلین شغل قضا و وکیل در موضع دفاع اتحاد طریق در اجرای یکسان آن است.<sup>۴</sup> اما حقیقت آن است که گرچه مجمع تشخیص مصلحت نظام



قصد برقراری نوعی مصونیت شغلی برای وکلای دادگستری داشته است اما تبصره ۳ ماده واحده هرگز چنین مصونیتی را برقرار نکرده است. درحالی که مصونیت شغلی وکلا امری ضروری برای اجرای عدالت و احقاق حق می باشد. چنانچه قانونگذار نظر به این مصونیت دارد بایستی مقررات آن را همان گونه که برای قضات بیان کرده است وضع کند و در وضعیت کنونی چنانچه دادرسی و دادگاه رأساً اقدام به تعقیب یا بازداشت یا حبس وکیل دادگستری کند توجیه پذیر می تواند باشد زیرا این ممنوعیت که برخلاف اصل می باشد نیاز به تصریح قانونگذار دارد و چنین تصریحی وجود ندارد. البته در مورد لغو پروانه وکالت تصریح قانونی وجود دارد که این امر در صلاحیت دادگاه انتظامی وکلا است و دادگاه های عمومی چنین حقی ندارند هر چند حق محروم کردن از وکالت به عنوان یک مجازات تکمیلی برای دادگاه های عمومی قید شده باشد.

#### • منابع

- ۱- محمد آشوری - آیین دادرسی کیفری - جلد ۱ سمت ۱۳۷۵ - ص ۱۴۸.
- ۲- علی عبدالقادر القهوجی - شرح قانون اصول المحاکمات الجزائیه - جلد ۱ - منشورات العلبی - ۲۰۰۲ صفحه ۲۵۶.
- ۳- محمد آشوری - همان.
- ۴- مهدی جهانبخش هرندی - تبعیض ناروا در تفسیر و اجرای تبصره ۳ مصوبه ۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام - مجله کانون وکلا - ش ۱۷۴ - ص ۱۷۰.